

۱۳۳۷۱۴۹

۹۴ ۲/۵

سلسله تکنگاشت‌های

الگوی اسلامی ایران پیشرفت

عدالت محیطی راهنمایی برای تحقق پیشرفت و توسعه پایدار ملی

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: یادآوری، مجید، ۱۳۴۶ -
عنوان	: عدالت محیطی راهکاری برای تحقق پیشرفت و توسعه پایدار ملی / مجید یاسوری
موضوع	: عدالت اجتماعی - ایران
موضوع	: توسعه پایدار - ایران
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۳.
رده بندی کنگره	: ۳۰۴/۳۷۲.۹۵۵
رده بندی دیویی	: ۳۰۴/۳۷۲.۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۵۴۹۶۲

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت
عدالت محیطی راهکاری برای تحقق پیشرفت و توسعه پایدار ملی
نگارش: دکتر مجید یاسوری (عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیلان)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۲۵-۸

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸ - ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.
مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید، اساساً گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که بنی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تأسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تداوم گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تکنگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک نگاشت از نظر حجم رجحاناً حداقل اصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

فهرست

۳	چکیده
۴	مقدمه
۹	پیشینه تحقیق
۱۳	روش تحقیق
۱۶	مبانی نظری
۱۹	بررسی وضعیت نابرابری‌های منطقه‌ای
۲۳	نابرابری در درآمد و هزینه خوار و روستایی
۱۳۷۸	وضعیت کلی هزینه - درآمد در روستا و شهرهای استان‌های مختلف در فاصله سال‌های
۲۴	- ۱۳۹۰
۲۵	تفاوت بین هزینه و درآمد‌ها در شهر و روستا
۳۱	نابرابری در شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی
۳۲	تقسیم کار ملی تاثیرگذار در شکل‌گیری نابرابری منطقه‌ای
۳۷	شکل‌گیری تمرکز در تهران و تشدید نابرابری منطقه‌ای
۳۸	سابقه تمرکزگرایی در ایران
۳۹	روند تمرکزگرایی
۴۲	تمرکزگرایی تهران و عوامل آن
۴۲	تمرکزگرایی سیاسی - اداری - سازمانی
۴۳	تمرکزگرایی جمعیتی
۴۶	تمرکزگرایی اجتماعی
۴۷	تمرکزگرایی فرهنگی
۴۸	تمرکزگرایی زیربنایی
۴۸	تمرکزگرایی اقتصادی
۵۱	پیامدهای نابرابری منطقه‌ای
۵۵	عدالت محیطی و ارتباط آن با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۵۶	نتیجه‌گیری

چکیده

عدالت محیطی به دنبال بهبود دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق است. عدالت منطقه‌ای در صورتی قابل تحقق است که توزیع درآمد نیازهای جمعیت را برآورده کند، ضرایب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد و در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی-فیزیکی مؤثر باشد. نگرش گذشته به توسعه و رشد اقتصادی، منجر به شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی در کشور گردید. راهبرد دخالت دولت در جهت توازن منطقه‌ای در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشور را به کاهش نابرابری‌ها و برخورداری مناطق محروم، واداشت. اصلاح قوانین و مقررات، رسیدگی به مناطق محروم و تمرکززدایی به مناطق جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و فقدان برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی و... نتوانست نابرابری منطقه‌ای را کاهش دهد. بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و تعیین وضعیت برخورداری مناطق حاکمی از وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری است. علل شناسایی نابرابری‌ها زیاد است؛ عده‌ای عملکرد بازار سرمایه‌داری، عده‌ای ایجاد قطب‌های رشد و عده‌ای وابستگی و قانون مبادله نابرابر را مؤثر می‌دانند. با این شرایط می‌توان علل نابرابری منطقه‌ای را در مواردی چند بیان نمود: قبل از هر عاملی، تفاوت‌های طبیعی، اقلیمی مناطق مختلف و عدم توجه به خصوصیات ذاتی مناطق یعنی قابلیت‌ها و محدودیت‌های هر منطقه که موجب ایجاد تفاوت در ظرفیت برنامه‌ریزی در مناطق گوناگون است و عدم توجه به سیاست‌های برنامه‌ریزی متناسب با شرایط هر منطقه را می‌توان از عوامل ایجاد نابرابری منطقه‌ای ذکر کرد. به دنبال آن نظام‌های حکومتی و فشارهای سیاسی که منابع عمومی را به نفع منطقه‌ای خاص یا گروهی از مناطق جذب می‌کنند و همچنین سطوح مختلف توسعه و فقدان پیوندهای مناسب فضاهای ملی و منطقه‌ای در جهت وحدت و یکپارچگی،

نابرابری منطقه‌ای را تشدید می‌کند. از دیگر علل بروز نابرابری منطقه‌ای، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و تفاوت‌های رفتاری که منجر به تناقضات سیاسی - اجتماعی بین مردم شده است، گسستگی و عدم انسجام در مراکز زیست و فعالیت در مناطق مختلف، توسعه مبتنی بر الگوی سرمایه‌داری که منجر به نابرابری‌های اجتماعی و فضایی گردید، است. این نابرابری‌های اجتماعی و فضایی به این دلیل به وجود آمدند که تغییرات اساسی در ساختار ای فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی که متناسب با این الگو باشند، ایجاد نگردیده. انتخاب استراتژی توسعه به سمت رشد اقتصادی و صنعتی کردن جامعه که دوگانگی بین شهرهای بزرگ و دیگر مناطق را موجب گردیده و از جهت دیگر عدم تنوع و یکنواختی در اقتصاد مناطق عقب‌افتاده و عدم ارتباط اقتصادی بین مناطق در نهایت نابرابری‌ها را منتهی به از را دامن زده است. از نظر تنوع یکی عدم تعادل باعث عدم استفاده بهینه از فضا، نابرابری در توزیع سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف بین مناطق برخوردار و محروم و بروز نابرابری‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی می‌گردد. هرچند نابرابری‌های فضایی به قابلیت‌های (ایزیک) و ذاتی مناطق بستگی دارد، اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و نحوه سرمایه‌داری‌ها و سیاست‌های دولت باعث تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود. وجود نابرابری‌های فضایی که نقش بسیار مؤثر در عدم تحقق اهداف توسعه منطقه‌ای دارد، تمرکزگرایی، بیکاری، مهاجرت، به هم خوردن ساختار جمعیت و اشتغال، بروز ناملایمات و کجروی اجتماعی، تهیافت وحدت و انسجام ملی و تخریب محیط‌زیست را در کشور به دنبال داشته است. این نابرابری‌ها مانع از شکل‌گیری زمینه‌های پیشرفت و توسعه پایدار ملی است. بنابراین هر گونه برنامه‌ریزی در استفاده بهینه از منابع محلی و رسیدن به توسعه پایدار ملی بایستی با کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی همراه باشد تا بتواند عدالت جغرافیایی و محیطی را محقق سازد. تحقق این امر مستلزم داشتن الگوی بومی پیشرفت با رعایت ملاحظات اقتصادی و تکیه بر ارزش‌های اسلامی، عدالت و رفاه انسانی و کاهش نابرابری منطقه‌ای است.

کلیدواژه: عدالت محیطی، نابرابری توسعه، وحدت ملی، توسعه پایدار ملی، ایران

مقدمه

پس از گذشت ۶۰ سال از سابقه برنامه‌ریزی در ایران، امروزه نه تنها از قابلیت‌ها و فرصت‌های توسعه بهره کافی گرفته نمی‌شود، بلکه شاهد شکل‌گیری نابرابری‌های زیاد در عرصه‌های مختلف از جمله بیابان‌سهر و روستا، بین بخش‌های مختلف اقتصادی و بین مناطق مختلف جغرافیایی هستیم. عمده برنامه‌های قبل از انقلاب که مبتنی بر سیاست‌های قطب‌رشد و توسعه مناطق با قابلیت توسعه بوده است، منجر به عدم تعادل‌های فضایی گردید. برخی از نقاط نظیر تهران، کرمانشاه، مشهد، اصفهان، تبریز و چند شهر دیگر از انواع زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار گردیده و مناطق وسیعی از کشور از امکانات اولیه محروم ماندند. وجود تبعات استراتژی‌های توسعه در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و عدم تهیه و اجرای برنامه‌های آمایشی در بعد از انقلاب اسلامی نیز نتوانسته است کشور را به سوی تعادل فضایی پیش ببرد. در واقع در طی این مدت، کشور فاقد سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و بخشی بوده است. سیاست‌گذاری منطقه‌ای عبارت از کوشش‌های آگاهانه و عمدی است که از سوی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولیدات، انواع کالا، خدمات، تسهیلات حمل‌ونقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی، انجام می‌شود (هگینز، ۱۳۷۶: ۱۶).

نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آن‌ها قائل می‌شود. عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. درباره علل نابرابری نیز ایده‌های زیادی وجود دارد. گروهی نیز معتقدند علت اصلی نابرابری را باید در نیازهای فطری انسان‌ها جستجو کرد (جسمی، ایمنی و احترام). این گروه معتقدند نیاز به احترام

به‌عنوان منشاء هنجار و بسیاری دیگر از رفتارها نیز می‌باشد (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۴۵۶). نابرابری در طول زمان استمرار می‌یابد، تلاش‌های کسانی که در رأس جامعه هستند - در اقتصاد، حکومت، در آموزش و پرورش، رسانه‌ها و... به دائمی کردن آن کمک می‌کنند. نهادهای جامعه و شیوه‌های بنیادی انجام کارها در جامعه، در جهت حفظ نابرابری موجود عمل می‌کنند. اجتماعی شدن افراد در فرهنگی که نابرابری را توجیه می‌کند نیز عامل مهمی است و همچنین اجتماعی کردن موفقیت‌آمیز مردم برای یادگیری و پذیرش موقعیت‌شان در جامعه، سرانجام از ابزارهای زور استفاده می‌شود (شارون، ۱۳۷۹: ۱۳۲). بررسی نابرابری و وجوه آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است، زیرا در حقیقت، کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر بالا بردن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع به‌طور عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصطفی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶). از این رو، امروزه از دیدگاه عدالت اجتماعی، توسعه دیگر به معنای رشد تلقی نشده، بلکه به معنای وجود امکانات و توزیع عادلانه مطرح می‌گردد. نکته قابل ذکر در این مورد آن است که با پیشرفت تکنولوژی از اهمیت عامل توان کاسته شده و به اهمیت عامل دوم اضافه شده است. بنابراین در ایجاد نابرابری مجموعه‌ای تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بیشتر تأثیر می‌گذارد. شناخت نابرابری‌ها در نواحی مختلف در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح می‌باشد، لازم به ذکر است در این راستا شناخت وضعیت موجود هر یک از اجزاء مجموعه‌های برنامه‌ریزی‌ای از کشور، استان، شهرستان و بخش و در نتیجه پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری منطقه‌ای در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها در هر یک از اجزاء این مجموعه می‌باشد. کاستن از شکاف میان مناطق از لحاظ کارآیی اقتصادی، ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت در فضا، کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال از اهداف اساسی سیاست‌گذاری منطقه‌ای است. در واقع تعبیر حکومت‌داری خوب نیز همین است: فرآیند تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشارکت افراد و سازمان‌ها و با رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی

و اثربخشی به گونه‌ای که ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق عدالت، امنیت و توسعه پایدار منابع انسانی و محیط‌زیست منجر شود. بنابراین، ایجاد صرفه‌های مکانی برای جذب و رشد سرمایه و مهارت در مناطق مختلف از اهداف حکمرانی خوب است تا در مناطق مختلف، زمینه‌های تمرکز سرمایه و سرمایه‌گذاری فراهم شود چراکه در غیاب آن برخی از مناطق به علت فراهم بودن زیرساخت‌ها و فرصت‌های مناسب، سرمایه و نیروی انسانی متخصص را جذب می‌کنند، در حالی که سایر مناطق نه تنها امکان جذب سرمایه، نیروهای متخصص را ندارند، بلکه سرمایه‌های محدود منطقه و نیروی متخصص و کارآمد را از دست می‌دهند.

توسعه به دنبال اهدافی چون کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است. برای تحقق توسعه الگوها و نظریات متفاوتی ارائه شده است. نظریه‌های کارآفرینی، رشد متوازن، دوگانگی و مدل عرضه نامحدود نیروی کار و... برخی از مهم‌ترین نظریات در این زمینه است. اغلب نظریات توسعه در تبیین درستی مسائل جامعه نتوانستند موفق عمل کنند. به عبارتی جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی و با به کارگیری نظریه‌های مختلف توسعه، نتوانستند سعادت و رفاه انسان‌ها را تأمین کنند و اگر در ابعادی توفیقی حاصل گردید ابعاد دیگر مغفول مانده و یا پیامدهای برجای گذاشته شد که یکی از مهم‌ترین پیامدها، نابرابری بخشی و منطقه‌ای بوده است.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که بر اساس جایگزینی اسلامی شکل گرفته، به دنبال آن است که سیاست‌گذاران را در جهت بالا بردن سطح علمی و کیفی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یاری رساند. در واقع نقشه راه را در دید به توسعه یافتگی را در دستگاه فکری مشخص ترسیم می‌نماید (ارشدی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

اگر عدالت را به معنی قرار دادن هر چیزی در جای خود تعریف کنیم این دقیقاً با مفهوم آمایش سرزمین انطباق دارد. در واقع هدف آن است تا با توزیع عادلانه منابع در سطح مناطق زمینه‌های رشد و توسعه متعادل را برای همه مناطق کشور فراهم نماید. البته همه مناطق ممکن است قابلیت‌ها و امکانات برابری برخوردار نباشند و این مسئله در چگونگی توسعه آن منطقه اثر داشته باشد، اما عدالت محیطی به دنبال ایجاد فرصت‌های برابر و سهولت دسترسی به زمینه‌های رشد و توسعه برای همه مناطق کشور است و این مسئله‌ای است که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

دیوید هاروی معتقد است توزیع عادلانه در سطح مناطق، توزیع عادلانه بین افراد را به دنبال دارد. او ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار نیاز، منفعت عمومی، و استحقاق تشریح می‌کند و معتقد است که می‌توان با ترکیبی از آن‌ها تخصیص منابع به مناطق را انجام داد و عدالت منطقه‌ای را با مقایسه تخصیص فعلی با تخصیص فرضی سنجید (هاروی، ۱۳۷۶).

- از نظر ویژگی مفهوم نیاز نسبی است و میزان محرومیت افراد در مناطق مختلف را می‌توان با سه خصصه تشخیص داد؛ اول اینکه افراد از خدماتی محروم باشند، دوم اینکه افرادی را ببینند که از آن خدمات برخوردارند و سوم این که چیزی را بخواهند و داشتن آن را مقدور بدانند. وی معتقد است که مفهوم محرومیت نسبی معمولاً با گروه مرجع نظیر افراد یک محله یا منطقه آمیخته است.

- از نظر معیار منفعت عده می‌تواند تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق اثر می‌گذارد.

- از نظر مفهوم استحقاق، مثلاً اگر منطقه‌ای دارای تهدیدات محیطی زیادی باشد باید منابع بیشتری را برای مقابله با حوادث ناشی از تخصیص داد. بنابراین مفهوم عدالت اجتماعی و منطقه‌ای در صورتی قابل تحقق است که توزیع درآمد نیازهای جمعیت را برآورده کند، ضرایب فزاینده بین منطقه‌ای به حداکثر برسد، در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر باشد. در نهایت عدالت محیط به دنبال بهبود دورنمای زندگی را در محروم‌ترین مناطق است (همان منبع).

برنامه‌های توسعه باید به دنبال بهبود و ارتقای سطح زندگی باشد. این امر نه تنها با بالا بردن قدرت خرید بلکه بر خورداری از امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و سایر امکانات زیربنایی است. کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای و به خصوص بین شهر و روستا به منظور جلوگیری از حرکات و جابجایی نیروی انسانی و سرمایه در فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه بسیار مؤثر است. برنامه‌ریزی به دنبال دگرگونی و بهتر شدن شرایط اجتماعی و تغییر سیستم فرهنگی و اقتصادی جامعه به منظور رسیدن به اهداف توسعه است. بنابراین در برنامه‌های توسعه، اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدنظر است (کامران، ۱۳۷۴).

توسعه به مفهوم افزایش توانایی‌های انسان در بهره‌برداری بهینه از محیط خود است. بهره‌برداری عقلانی به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد. بنابراین

هرگونه شرایطی که در افزایش توانایی در مناطق مؤثر واقع شود، موجب فراهم شدن زمینه‌های توسعه می‌گردد. مهاجرت، فقر، پایین بودن تولید و بهره‌وری، بیکاری و... در مناطق مختلف کشور، نتیجه عملکرد ناکارای نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رکود کشاورزی، رشد بی‌رویه جمعیت و سیاست‌های تبعیضی شهر و روستا و فقدان برخورداری از امکانات زیر بنایی، رفاهی و تولیدی است. هرچند واژه توسعه دارای تعابیر و مفاهیم مختلف بوده اما در اغلب تعابیر به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی، کاهش بیکاری و تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است (حسینی، ۱۳۷۰: ۱۰).

تمرکز زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلندمدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این امر در جریان تولید مناطق پیشرفته، عقب‌مانده تأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های انحصاری و جابجایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه‌یافته و منطقه دیگر از توسعه بی‌مانند. چراکه خروج عواملی نظیر سرمایه و نیروی انسانی متخصص از مناطق فقیرتر منجر به کاهش توان منطقه فقیر شود (Johnson, 1970: 118). یکی از مهم‌ترین موارد نابرابری‌ها، نابرابری فضایی است. منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی در فضا است. نابرابری فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیفتد، موجبات تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم کند، باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی و بخصوص نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد، باعث تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیرممکن می‌سازد. به‌طور خلاصه نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. به‌علاوه نابرابری‌های فضایی می‌تواند به اساس وحدت ملی آسیب رسانده و پیشرفت عمومی اقتصاد را نیز متوقف سازد (همان: ۲۲۰).